

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۷۲

آیه ۲۶-۳۰

آیه و ترجمه

۲۶ اولم یهد لهم کم اهلکنا من قبلهم من القرون یمشون فی مسکنهم ان فی ذلک لایت افلا یسمعون
 ۲۷ اولم یروا انا نسوق الماء الی الارض الجرذ فنخرج به زرعاً تاء کل منه انعمهم و انفسهم افلا یبصرون
 ۲۸ و یقولون متی هذا الفتح ان کنتم صادقین
 ۲۹ قل یوم الفتح لا ینفع الذین کفروا ایمانهم و لا هم ینظرون
 ۳۰ فاءعرض عنهم و انتظر انهم منتظرون

ترجمه :

۲۶ - آیا برای هدایت آنها همین کافی نیست که افراد زیادی را که در قرون پیش از آنها زندگی داشتند هلاک کردیم؟ اینها در مساکن (ویران شده) آنان راه می‌روند، در این آیاتی است (از قدرت خداوند و مجازات دردناک او) آیانی شنوند؟!
 ۲۷ - آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمینهای خشک می‌رانیم، و به وسیله آن زراعت‌هایی می‌رویانیم که هم چهارپایانشان از آن می‌خورند و هم خودشان تغذیه می‌کنند، آیا نمی‌بینند؟!
 ۲۸ - آنها می‌گویند: اگر راست می‌گوئید این پیروزی شما کی خواهد بود؟

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۷۳

۲۹ - بگو: روز پیروزی ایمان آوردن سودی به حال کافران نخواهد داشت، و به آنها هیچ مهلت داده نمی‌شود!
 ۳۰ - اکنون که چنین است از آنها روی بگردان و منتظر باش، آنها نیز منتظرند! (تو منتظر رحمت خدا باش و آنها منتظر عذاب او!).

تفسیر:

روز پیروزی ما

آیات گذشته با تهدید مجرمان بی ایمان آمیخته بود، و نخستین آیه مورد بحث نیز توضیح و تکمیلی بر این تهدید است می‌فرماید: «آیا همین برای هدایت آنها کافی نیست که افراد زیادی از مردمی که در قرون پیش از آنها زندگی داشتند هلاک کردیم و آنها را به کیفر اعمالشان رساندیم؟» (اولم یهد لهم کم اهلکنا من قبلهم من القرون).

«اینها در مساکن ویران شده آنان راه می‌روند و آثار آن اقوام نفرین شده را با چشم خود می‌بینند» (یمشون فی مساکنهم).

سرزمین بلا دیده «عاد» و «ثمود» و شهرهای ویران شده «قوم لوط» در سر راه آنها به شام قرار دارد، هر زمان که از این سرزمینهای که یک روز مرکز اقوامی قدرتمند و در عین حال گمراه و آلوده بود و هر چه پیامبران آنها به آنان هشدار دادند اثری نبخشید و سرانجام عذاب الهی طومار زندگانی‌شان را در نوردید، عبور می‌کنند، گوئی تمام سنگریزه‌های بیابان و کاخهای ویران شده آنها صد زبان

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۷۴

دارند، و فریاد می‌زنند، و نتیجه کفر و آلودگی را بازگو می‌کنند، اما گوئی گوش شنوا را به کلی از دست داده‌اند. لذا در پایان آیه می‌افزاید: «در این موضوع نشانه‌هایی از قدرت خدا، و درسهای عبرتی است آیا نمی‌شنوند؟» (ان فی ذلک لایات افلا یسمعون). در آیه بعد به یکی از مهمترین نعمتهای الهی که مایه آبادی همه سرزمینها و وسیله حیات همه موجودات زنده است اشاره می‌کند تا روشن شود همانگونه که خداوند قدرت بر ویران ساختن سرزمین تبهکاران دارد، قادر بر آباد کردن زمینهای ویران و مرده، و اعطای همه گونه موهبت را به بندگان دارد. می‌فرماید: «آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمینهای خشک و بی آب و علف می‌رانیم، و به وسیله آن زراعت‌هایی می‌رویانیم که هم چارپایانشان از آن می‌خورند، و هم خودشان تغذیه می‌کنند؟ آیا نمی‌بینند؟» (اولم یروا انا نسوق الماء الی الارض الجرز فنخرج به زرا تاکل منه انعامهم و انفسهم افلا یبصرون).

«جرز» (بر وزن شتر) به معنی زمینی است که گیاه از آن ریشه کن شده یابزه تعبیر دیگر به هیچوجه گیاهی از آن نمی‌روید، و در اصل از

ماده «جرز» (بر وزن مرض) به معنی قطع کردن و بریدن است
گوئی هر گونه گیاه از چنین زمینی بریده شده، و یا زمین خودش، آن
گیاهان را قطع کرده است.

جالب اینکه در اینجا تعبیر به نسوق الماء (آب را می رانیم) شده است، اشاره به
اینکه طبیعت آب به مقتضای سنگینیش ایجاب می کند که روی زمین و در
گودالها باشد، و به مقتضای روان بودنش باید در اعماق زمین فرورود، ولی
هنگامی که فرمان ما فرا رسد طبیعت خود را از دست داده تبدیل به بخار
سبکی

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۷۵

می شود که با وزش نسیم به هر سو حرکت می کند.
آری همین ابرها که بر فراز آسمانند دریا‌های بزرگی از آب شیرین هستند
که به فرمان خدا به کمک بادهای سوی زمینهای خشک فرستاده می شوند.
به راستی اگر باران نمی بارید بسیاری از زمینها، قطره‌ای از آب به
خود نمی دید حتی اگر فرضاً رودخانه‌های پر آبی وجود داشت بر آنها
مسلط نمی شد، اما اکنون می بینیم که به برکت این رحمت الهی بر فراز
بسیاری از کوهها و دامنه‌های صعب العبور و تپه‌های مرتفع جنگلها و درختان
فراوان و گیاهان بسیار روئیده است، این قدرت آبیاری عجیب، تنها در باران
است و از هیچ چیز دیگر ساخته نیست.

«زرع» در اینجا معنی وسیعی دارد که هر گونه گیاه و درخت را
شامل می شود، هر چند گاهی در استعمالات در مقابل درخت قرار می گیرد.
مقدم داشتن «چهار پایان» بر «انسانها» در این آیه ممکن است به خاطر
این باشد که تمام تغذیه چهار پایان از گیاه است، در حالی که انسانها هم از
گیاهان تغذیه می کنند و هم از گوشت چهار پایان.
و یا از این جهت که گیاه به محض روئیدن برای چهار پایان قابل استفاده است،
در حالی که استفاده انسان از گیاهان غالباً به زمان بعد موکول می شود که
دانه و ثمره خود را به بار می آورد.

جالب اینکه در ذیل آیه مورد بحث جمله «افلا یبصرون» (آیا
نمی بینند) آمده است، در حالی که در ذیل آیه قبل که سخن از قصرها و
خانه‌های ویران شده اقوام پیشین است جمله «افلا یسمعون» (آیا

نمی‌شنوند) آمده.

این تفاوت به خاطر آن است که منظره زنده شدن زمینهای لم یزرع بر اثر نزول باران را همه با چشم می‌بینند، در حالی که مسائل مربوط به اقوام پیشین را غالباً بصورت اخباری می‌شنوند.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۷۶

در یک جمع بندی از مجموع دو آیه فوق، چنین استفاده می‌شود که خداوند به این گروه سرکش می‌فرماید: چشم و گوش خود را باز کنید، حقایق را بشنوید و ببینید و بیندیشید که چگونه یک روز به بادهای فرمان دادیم، قصرها و کاخهای قوم عاد را در هم بکوبند و ویران کنند، روز دیگر به همین بادهای فرمان می‌دهیم که ابرهای پر بار را به سوی زمینهای مرده و بایر ببرند، و آنها را آباد و سرسبز سازند آیا باز در برابر چنین قدرتی سرتسلیم فرود نمی‌آورید؟! و از آنجا که آیات گذشته مجرمان را تهدید به انتقام، و مؤمنان را بشارت به امامت و پیشوائی و پیروزی می‌داد، در اینجا کفار از روی غرور و نخوت این سؤال را مطرح می‌کنند که این وعده‌ها و وعیدها کی عملی خواهد شد؟ چنانکه قرآن می‌فرماید: «آنها می‌گویند: اگر راست می‌گوئید این فتح و پیروزی شما چه زمانی خواهد بود»؟! (و یقولون متی هذا الفتح ان کنتم صادقین).

قرآن بلافاصله به آنها پاسخ می‌گوید و به پیامبر دستور می‌دهد: «بگو بالاخره روز پیروزی فرا می‌رسد، اما در آن روز ایمان آوردن سودی به حال کافران نخواهد داشت، و به آنها هیچ مهلت داده نمی‌شود»! (قل یوم الفتح لا ینفع الذین کفروا ایمانهم و لا هم ینظرون). یعنی اگر منظورتان این است که صدق وعده‌های الهی را که از زبان پیامبر شنیده‌اید ببینید و ایمان بیاورید، آن روز دیگر دیر شده است، و ایمان برای شما هیچ فایده‌ای ندارد.

از آنچه گفتیم روشن می‌شود که منظور از «یوم الفتح» روز نزول

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۷۷

«عذاب استیصال» است، یعنی عذابی که کفار را ریشه کن می‌سازد و مجال ایمان به آنها نمی‌دهد، و به تعبیر دیگر عذاب استیصال نوعی از عذاب دنیوی

است نه عذاب آخرت و نه عذابهای معمولی دنیا که بعد از اتمام حجت کامل به زندگی اقوام گنهکار خاتمه می‌دهد.

شاهد بر این سخن چند امر است:

الف: اگر منظور عذابهای معمولی دنیا و یا پیروزیهای همچون پیروزی مسلمانان در جنگ بدر و روز فتح مکه بود - همانگونه که بعضی از مفسران گفته‌اند - جمله «لا ینفع الذین کفروا ایمانهم» (در آن روز ایمان کافران سودی نمی‌بخشد) درست نخواهد بود، زیرا هم در روز فتح بدر، و هم در روز فتح مکه ایمان آوردن مفید بود و درهای توبه باز بود.

ب: اگر منظور از «یوم الفتح» روز قیامت بوده باشد آنچنان که بعضی از مفسران پذیرفته‌اند، با جمله «و لا هم ینظرون» (به آنها مهلت داده نمی‌شود) سازگار نیست، زیرا مهلت دادن یا ندادن مربوط به زندگی این دنیا است، از این گذشته در هیچ موردی از قرآن «یوم الفتح» به معنی قیامت به کار نرفته است.

ج: تعبیر به «فتح» در مورد «عذاب استیصال» در قرآن مجید کرار ادیده می‌شود، مانند آیه ۱۱۸ سوره شعراء آنجا که نوح می‌گوید: فافتح بینی و بینهم فتحا و نجنی و من معی من المؤمنین: «پروردگارا! میان من و آنها داوری کن و این قوم ستمگر را ریشه کن فرما و من و تمام مؤمنانی را که با من هستند نجات ده که اشاره به مجازات طوفان است». نظیر همین معنی در آیه ۷۷ سوره مؤمنون نیز آمده است ولی اگر منظور، عذاب استیصال در دنیا بوده باشد، با آنچه در بالا گفتیم

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۷۸

می‌سازد و با تمام قرائن فوق، هماهنگ است، و در واقع تهدیدی است برای کافران و ظالمان که اینقدر در خواست وعده پیروزی مؤمنان و عذاب استیصال برای کفار نکنید که اگر این درخواست شما عملی شود، دیگر نه مجالی به شما داده می‌شود، و نه اگر مجال پیدا کنید و ایمان آورید پذیرفته خواهد شد.

این معنی مخصوصا تناسب بسیار زیادی با آیات گذشته در مورد هلاک اقوام سرکشی که در قرون پیشین زندگی می‌کردند و گرفتار مجازات الهی شدند و نابود گشتند دارد.

زیرا کفار مکه با شنیدن این سخن که در دو آیه قبل آمده طبعا از روی لجاجت، تقاضای چنین موضوعی را در باره خود می‌کردند، اما قرآن به آنها هشدار می‌دهد که هرگز تقاضای چنین مطلبی را نکنند که اگر عذاب نازل شود چیزی برای شما باقی نمی‌ماند.

سرانجام در آخرین آیه این سوره (سوره سجده) با یک تهدید گویا و پر معنی سخن را پایان داده، چنین می‌گوید: «ای پیامبر! اکنون که چنین است از آنها روی بگردان و منتظر باش، آنها نیز منتظرند» (فاعرض عنهم و انتظرانهم منتظرون).

حالا که نه بشارت در آنها اثر می‌کند و نه انداز، نه اهل منطق و استدلالند تابا مشاهده آثار الهی در پهنه آفرینش، او را بشناسند و غیر او را پرستش نکنند و نه وجدانی بیدار دارند که از درون جان به نغمه توحید گوش فرادهند، از آنها روی بگردان. تو منتظر رحمت خدا باش و آنها منتظر عذاب او، که آنها فقط لایق عذابند!

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۷۹

پروردگارا! ما را از کسانانی قرار ده که با دیدن نخستین نشانه‌های حق تسلیم می‌شوند و ایمان می‌آورند.
بارالها! روح کبر و غرور و لجاجت را از همه ما دور فرما.
خداوندا! پیروزی کامل لشکر اسلام را بر لشکر کفر و استکبار و استعمار هرچه زودتر فراهم کن.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۸۱

مقدمه

این سوره در مدینه نازل شده و دارای ۷۳ آیه است

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۸۳

نامگذاری و فضیلت سوره احزاب

این سوره به اتفاق دانشمندان اسلام در «مدینه» نازل شده، و چنانکه گفتیم مجموع آیات آن ۷۳ آیه است، و از آنجا که بخش مهمی از این

سوره به ماجرای «جنگ احزاب» (خندق) می‌پردازد این نام برای آن انتخاب شده است.

در فضیلت این سوره همین بس که در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم: من قرء سورة الاحزاب و علمها اهله... اعطى الامان من عذاب القبر: «کسی که سوره احزاب را تلاوت کند و به خانواده خود تعلیم دهد از عذاب قبر در امان خواهد بود».

و از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: من کان کثیر القراءة لسورة الاحزاب کان یوم القيامة فی جوار محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و آله و ازواجه: «کسی که سوره احزاب را بسیار تلاوت کند در قیامت در جوار پیامبر و خاندان او خواهد بود».

کراراً گفته‌ایم این گونه فضائل و افتخارات، تنها به تلاوت بی روح و عاری از هر نوع اندیشه و عمل به دست نمی‌آید، تلاوتی لازم است که مبداء اندیشه گردد و اندیشه‌ای که افق فکر انسان را چنان روشن سازد که پرتوش در اعمال او ظاهر گردد.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۸۴

محتوای سوره احزاب

این سوره یکی از پر بارترین سوره‌های قرآن مجید است، و مسائل متنوع و بسیار مهمی را در زمینه اصول و فروع اسلام تعقیب می‌کند.

بحثهایی را که در این سوره آمده است می‌توان به هفت بخش تقسیم کرد: بخش اول - سر آغاز سوره است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) را به اطاعت خداوند و ترک تبعیت از کافران و پیشنهاد های منافقان دعوت می‌کند، و به او اطمینان می‌دهد که در برابر کارشکنیهای آنها از وی حمایت خواهد فرمود.

بخش دوم - به پاره‌ای از خرافات زمان جاهلیت مانند مساله «ظهار» که آن را وسیله طلاق و جدائی زن و مرد از هم می‌دانستند، و همچنین مساله پسر خواندگی (تبنی) اشاره کرده و قلم بطلان بر آنها می‌کشد، و پیوندهای خویشاوندی را در پیوندهای واقعی و طبیعی منحصر می‌سازد.

بخش سوم - که مهمترین بخش این سوره است مربوط به جنگ احزاب و حوادث تکان دهنده آن، و پیروزی اعجاز آمیز مسلمین بر کفار، و کارشکنیها و

بهانه‌جوئیهای گوناگون منافقان و پیمان شکنی آنان می‌باشد، و در این زمینه دستوره‌ای جامع و جالبی بیان شده است
بخش چهارم - مربوط به همسران پیامبر است که باید در همه چیز الگو و اسوه برای زنان مسلمان باشند، و در این زمینه دستورات مهمی به آنها می‌دهد.
بخش پنجم - به داستان «زینب» دختر «جحش» که روزی همسر پسر خوانده پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) «زید» بود و از او جدا شد، به فرمان خدا با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ازدواج کرد و دستاویزی برای منافقان گشت قرآن در این زمینه پاسخ کافی به بهانه‌جویان می‌دهد.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۸۵

بخش ششم - از مساله حجاب سخن می‌گوید که با بخشهای گذشته نیز رابطه نزدیک دارد و همه زنان با ایمان را به رعایت این دستور اسلامی توصیه می‌کند.
بخش هفتم - که آخرین بخش را تشکیل می‌دهد، اشاره‌ای به مساله مهم «معاد» دارد، و راه نجات در آن عرصه عظیم و همچنین مساله امانت‌داری بزرگ انسان یعنی مساله تعهد و تکلیف و مسئولیت او را شرح می‌دهد.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۸۶

آیه ۱-۳

آیه و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ یاایها النبی اتق الله و لا تطع الکافرین و المنافقین ان الله کان علیماً حکیماً

۲ و اتبع ما یوحی الیک من ربک ان الله کان بما تعملون خبیراً

۳ و توکل علی الله و کفی بالله وکیلاً

ترجمه :

بنام خداوند بخشنده بخشایشگر

۱ - ای پیامبر تقوی الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت منما، خداوند عالم و حکیم است.

۲ - و از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی نما که خداوند به

آنچه انجام می‌دهید آگاه است.
۳- و توکل بر خدا کن، و همین بس که خدا حافظ و مدافع انسان باشد

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۸۷

شان نزول:

مفسران در اینجا شان نزولهای مختلفی نقل کرده‌اند که تقریباً همه یک موضوع را تعقیب می‌کند.
از جمله اینکه گفته‌اند این آیات در مورد «ابوسفیان» و بعضی دیگر از سران کفر و شرک نازل شد که بعد از جنگ «احد» از «پیامبر اسلام» (صلی الله علیه و آله و سلم) امان گرفتند و وارد مدینه شدند، و به اتفاق عبد الله بن ابی و بعضی دیگر از دوستانشان خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمدند و عرض کردند: «ای محمد! بیا و از بدگوئی به خدایان ما - بت‌های لات و عزی و منات - صرف نظر کن، و بگو آنها برای پرستش کنندگان‌شان شفاعت می‌کنند تا ما هم از تو دست بر داریم، و هر چه می‌خواهی در باره خدایت توصیف کن آزاد هستی».
این پیشنهاد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را ناراحت کرد، عمر برخواست و گفت: اجازه ده تا آنها را از دم شمشیر بگذرانم! پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «من به آنها امان دادم چنین چیزی ممکن نیست» اما دستور داد آنها را از مدینه بیرون کنند، آیات فوق نازل شد و به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور داد که به این گونه پیشنهادها اعتنا نکند.

تفسیر:

تنها از وحی الهی پیروی کن

از خطرناکترین پرتگاه‌هایی که بر سر راه رهبران بزرگ قرار دارد مساله پیشنهادهای سازشکارانه‌ای است که از ناحیه مخالفان مطرح می‌گردد، و در اینجا است که خطوط انحرافی بر سر راه رهبران ایجاد می‌شود و سعی دارد آنها را از مسیر اصلی بیرون برد، و این آزمون بزرگی برای آنهاست.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۸۸

مشرکان «مکه» و منافقان «مدینه» بارها کوشیدند که با طرح‌پیشنهادهای سازشکارانه پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله و سلم) را از خط توحید منحرف سازند، از جمله همان بود که در شان نزول فوق خواندیم.

اما نخستین آیات سوره احزاب نازل شد و به توطئه آنها پایان داد و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به ادامه روش قاطعانه‌اش در خط توحید بدون کمترین سازش دعوت نمود.

این آیات مجموعاً چهار دستور مهم به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌دهد:

دستور اول در زمینه تقوی و پرهیزکاری است که زمینه ساز هر برنامه دیگری می‌باشد می‌فرماید: «ای پیامبر تقوای الهی پیشه کن» (یا ایها النبی اتق الله) حقیقت «تقوی» همان احساس مسئولیت درونی است و تا این احساس مسئولیت نباشد انسان به دنبال هیچ برنامه سازنده‌ای حرکت نمی‌کند.

تقوی انگیزه هدایت، و بهره گیری از آیات الهی است، چنانکه در آیه دوم سوره بقره می‌خوانیم «هدی للمتقین» (این قرآن مایه هدایت پرهیزکاران است).

درست است که مرحله نهائی تقوی بعد از ایمان و عمل به دستورات خدا حاصل می‌شود ولی مرحله ابتدائی آن قبل از همه این مسائل قرار داد. چراکه انسان اگر احساس مسئولیتی در خود نکند به دنبال تحقیق از دعوت پیامبران نمی‌رود، و نه گوش به سخنان آنها فرا می‌دهد، حتی مساله «دفع ضرر محتمل» را که علمای کلام و عقائد آن را پایه تلاش برای معرفه الله ذکر کرده‌اند در حقیقت شاخه‌ای از تقوی است.

دستور دوم نفی اطاعت کافران و منافقان است، می‌فرماید: «از کافران و منافقان اطاعت مکن!» (و لا تطع الکافرین و المنافقین). و در پایان این آیه برای تاکید این موضوع می‌گوید: «خداوند عالم

اواست، زیرا می‌داند در این تبعیت و سازشکاری چه مصائب دردناک و مفسد بی‌شماری نهفته است.

به هر حال، بعد از تقوا و احساس مسئولیت، نخستین وظیفه شستشوی صفحه دل از اغیار و ریشه کن نمودن خارهای مزاحم از این سرزمین است.

در سومین دستور مساله بذر افشانی توحید و تبعیت از وحی الهی را مطرح می‌کند می‌گوید: «از آنچه از طرف پروردگارت به تو وحی می‌شود پیروی کن» (و اتبع ما یوحی الیک من ربک).

و مراقب باش و بدان که «خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (ان الله کان بما تعملون خبیرا).

بنابر این نخست باید دیو را از درون جان بیرون راند تا فرشته درآید. خارها را بر چید تا بذر گلها بروید.

باید طاغوتزدائی کرد تا حکومت الله و نظام الهی جانشین آن گردد.

و از آنجا که در ادامه این راه مشکلات فراوان است و تهدید و توطئه و کارشکنی بسیار زیاد، چهارمین دستور را به این صورت صادر می‌کند: «بر خدا توکل کن و از توطئه‌هاشان نترس!» (و توکل علی الله).

«و همین بس که خداوند ولی و حافظ و مدافع انسان باشد» (و کفی بالله وکیلا).

اگر هزار دشمن قصد هلاکت تو را دارند، چون من دوست و یاور توام از دشمنان باکی نداشته باش.

تفسیر نمونه جلد ۱۷ صفحه ۱۹۰

گرچه مخاطب در این آیات شخص پیامبر است، ولی پیدا است که دستوری است برای همه مؤمنان، و همه مسلمانان جهان، نسخه‌ای است نجاتبخش و معجونی است حیات آفرین برای هر عصر و هر زمان.

بعضی از مفسران گفته‌اند خطاب «یا ایها» مخصوص مواردی است که هدف جلب توجه عموم به مطلب است، هر چند مخاطب یک نفر باشد بخلاف خطاب به «یا» که معمولا در مواردی گفته می‌شود که منظور شخص مخاطب است.

و چون در آیات مورد بحث خطاب با «یا ایها» شروع شده عمومیت هدف این آیات را تاکید می‌کند.

شاهد دیگر برای تعمیم این است که جمله «ان الله كان بما تعملون خبيرا»
به صورت جمع آمده، می‌گوید: «خدا به اعمال همه شما آگاه است، و اگر
تنها پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مخاطب بود میبایست گفته شود خدا
به عمل تو آگاه است» (دقت کنید).
ناگفته پیدا است، مفهوم این دستورات به پیامبر این نیست که او در مساله تقوا
و ترک اطاعت کافران و منافقان کوتاهی داشته، بلکه این بیانات از یکسو جنبه
تاکید در مورد وظائف پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دارد، و از سوی
دیگر درسی است برای همه مؤمنان.

بعدها

افترست

قبل